

هدف کلی : آشنایی با جهان دو قطبی

اهداف جزئی : صورت های متفاوت چالش های جدید - چالش فقر و غنا - شکل گیری بلوک شرق و غرب

مفاهیم اساسی : جهان دو قطبی - صورت های متفاوت چالش های جدید - چالش فقر و غنا - اقتصاد قرون وسطی - لیبرالیسم اولیه - نظریه لیبرال - نظریه پردازان لیبرال - نظریه دیکنز - نظریه مالتوس - نظریه ریکاردو - آزادی مثبت - آزادی منفی - مارکسیسم - سوسیالیسم - کمونیسم - لیبرالیسم اقتصادی - دو جریان چپ و راست - احزاب سوسیالیستی و کمونیستی - بلوک شرق - بلوک غرب - جوامع سوسیالیستی - چالش بلوک شرق و غرب - رویکرد مارکس - چالش بلوک شرق و غرب فرامنطقه ای و درون فرهنگی.

معانی لغات درس :

معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت
پیشین	گذشته	بنیادین	اساسی	فرامنطقه ای	جهانی
مقطعی	دوره ای	مستمر	همیشگی	ذاتی	درونی
عارضی	تحمیلی	لیبرالیسم اولیه	آزادی مبتنی بر فردگرایی	قائل	گوینده - سخنگو
بهره کشی	ظلم - کار زیاد	قید و بند	محدودیت	ضامن	ضمانت - متعهد
پیشگام	آغازگر	نوانخانه	یتیم خانه	ترجیح	اولویت - برتری
مدافع	حمایت	سخره	تمسخر	حق حیات	حق زندگی
تملك	تصاحب - تصرف	تولید نسل	تولد فرزند	بلاغت و حماقت	نادانی
استثمار	*	احزاب	گروه های سیاسی	نزاع	درگیری و اختلاف
فروپاشی	سرنوینی	ابرقدرت	قدرتمند	متمایز	جدا

* استثمار : بهره کشی یک طرفه و کسی را به کاری واداشتن و از دست رنج او بهره بردن - بهره بردن ناعادلانه از کار دیگران - استفاده ناعادلانه کشورهای قوی از منابع اقتصادی کشورهای ضعیف - بهره کشی ناحق از دیگران .

..... مقدمه صفحه ۷۵

چالش های جدید غرب :

- چالش اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی مثل : بحران اقتصادی
- چالش منطقه ای : مثل بحران اقتصادی چالش فرامنطقه ای : مثل چالش بلوک شرق و غرب ، بحران زیست محیطی
- چالش مقطعی : مثل بحران اقتصادی چالش مستمر مثل : فقر و غنا
- چالش خرد : مثل جنگهای داخلی چالش کلان : مثل جنگهای جهانی
- چالش درون فرهنگی : مثل چالش بلوک شرق و غرب چالش بین فرهنگی مثل : چالش بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ غرب
- چالش ذاتی : مثل چالش فقر و غنا چالش عارضی : مثل بحران اقتصادی

● چالش علمی و معرفتی: **مثل پست مدرن** چالش دینی و معنوی: **مثل عرفان های کاذب و نوظهور - پسا سکولاریسم**

● برخی از این چالش ها هم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و هم مقطعی و منطقه ای است مثل **بحران اقتصادی** به نظر شما چالش فقر و غنا چه چالشی است؟ چالشی **مستمر و ذاتی** است.

..... **چالش فقر و غنا** **صفحه ۷۶ تا ۷۸**

● اولین چالشی که جوامع صنعتی با آن مواجه شدند چالش **فقر و غنا** بود قبلا خواندید که اقتصاد قرون وسطی فئودالی یا ارباب و رعیتی بود کشاورزان وابسته به زمین ارباب بودند و امکان جابجایی نداشتند.

● لیبرالیسم اولیه در غرب رویکرد **فردی و اقتصادی** داشت و حمایت از فقرا را نادیده می گرفت.

● **پیامدهای لیبرالیسم اولیه: ۱-** روابط ارباب و رعیتی را به هم ریخت، کشاورزان از بردگی خارج شدند و اجازه پیدا کردند که به شهرها مهاجرت کنند و در باره شیوه زندگی خودشان تصمیم بگیرند **۲-** موانعی که قبلا پیش روی صاحبان ثروت و صنعت (**سرمایه داران**) بود برداشته شد یعنی آنها قبلا در نظام فئودالی نمی توانستند به خرید و فروش زمین بپردازند اما با حاکمیت لیبرالیسم آنها توانستند به خرید و فروش زمین بپردازند و ثروت خود را افزایش دهند **۳-** کشاورزان به کارگرانی تبدیل شدند که تمامی سرمایه وجودی خود را در اختیار سرمایه داران در شهرها قرار دادند و مورد بهره کشی سرمایه داران قرار گرفتند و سرمایه داران نیز آنها را مورد استثمار و بهره کشی قرار دادند **۴-** رابطه نیز از رابطه ارباب و رعیتی به رابطه کارگری و سرمایه داری تبدیل شد. هرچند کارگران از قید و بند ارباب و رعیتی آزاد شدند اما باز هم مورد بهره کشی سرمایه داران در شهرها قرار گرفتند.

● نظریه لیبرال توسط نظریه پردازان لیبرالیسم: **آزادی فعالیت صاحبان سرمایه** را ضامن پیشرفت جامعه می داند و مخالف دخالت دولت در اقتصاد است آنها حتی کمک به مستمندان را بیهوده تلقی می کنند به طوری که در **انگلستان** با وجود اینکه پیشگام **انقلاب صنعتی** بود اما وضعیت نوانخانه ها (**یتیم خانه ها**) به گونه ای بود که فقرا مرگ را بر زندگی ترجیح می دادند.

نظرات اندیشمندان غرب در خصوص چالش فقر و غنا

● **دیکنز: در رمان الیور توئیست** نوانخانه ها و فیلسوفانی که مدافع نوانخانه ها بودند مورد تمسخر قرار داد.

● **مالتوس: جمعیت شناس انگلیسی** در باره کسانی که در فقر متولد می شوند می گوید: **آنها حق حیات ندارند**. (انسانهایی که در این دنیای از قبل تملک شده در فقر به دنیا می آیند اگر نتوانند حق خود را از والدین بگیرند و ثروتی از سوی والدین به آنها نرسد اگر جامعه خواهان کار آنها نباشد هیچ حقی برای دریافت کمترین غذا یا دریافت مقام و موقعیت در جامعه ندارند و جایی برای آنها در این طبیعت نیست و طبیعت حکم رفتن آنها را می دهد و آنها باید این حکم را اجرا کنند.

● **ریکاردو اقتصاددان:** او مخالف دولت در امور اقتصادی است نظر او در مورد **کارگران** این بود که نباید دستمزد آنها را افزایش دهیم چون سبب افزایش تولید نسل می شود و این خود سبب مشکلات بعدی می شود (افزایش فقر) **نظر او در باره دولت:** دولت باید اجازه دهد که سرمایه پرسود ترین راه را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب خود داشته باشد، افراد با استعداد و پرتلاش مورد پاداش قرار گیرند، بلاهت و حماقت (**نادانی**) مورد مجازات طبیعی قرار گیرند.

● **نخستین چالش در غرب:** چون شعار لیبرالیسم اولیه **آزادی** به ویژه **آزادی اقتصادی** بود راه **استثمار** را برای صاحبان ثروت باز نمود و **عدالت** را نادیده گرفت در این صورت اولین چالشی که غرب با آن مواجه شد چالش **فقر و غنا** بود.

اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در نقد لیبرالیسم اولیه از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته اند. نظرات آیزنهاور در مورد این دو مفهوم را مطالعه کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

جواب:

آزادی منفی: آزادی اقتصادی که راه استثمار سرمایه داران را بر جامعه باز نمود. **آزادی مثبت:** به معنی حق مشارکت افراد جامعه در همه امور با لغو قاعده مالکیت خصوصی تحقق یافت.

شکل گیری بلوک شرق و غرب صفحه ۷۹ تا ۸۱

● برخی نظریه پردازان برای حل چالش فقر و غنا نظریه هایی را ارائه دادند از جمله آنها **مارکس** در نیمه دوم قرن ۱۹ لیبرالیسم اقتصادی را مورد نقد قرار داد.

● **مارکسیسم، سوسیالیسم و کمونیسم:** دیدگاههای پایبند به اندیشه های سیاسی **مارکس** را **مارکسیسم** می گویند. در مقابل فردگرایی لیبرال دو رویکرد **جامعه گرا** هستند به عنوان **سوسیالیسم و کمونیسم**. سوسیالیسم به مالکیت خصوصی معتقد است ولی بر خلاف سرمایه داری آن را مطلق نمی داند ولی کمونیسم به مالکیت خصوصی اعتقادی ندارد.

● نظریه مارکس موجب ایجاد **انقلاب فرانسه** در غرب شد که بعد از انقلاب فرانسه **طرفداران نظریه لیبرالیستی** در سمت راست مجلس فرانسه قرار گرفتند و **منتقدان نظریه لیبرالیستی** در سمت چپ مجلس فرانسه قرار گرفتند بدین ترتیب **دو جریان چپ و راست** در غرب به وجود آمد.

● مخالفان نظام لیبرالیستی و سرمایه داری که جریان چپ بودند دو **حزب کمونیستی و سوسیالیستی** را در غرب تشکیل دادند و در نهایت حزب **کمونیست شوروی** با انقلاب **۱۹۱۷** توانست در **روسیه** قدرت را در دست بگیرد.

● **مخالفان و موافقان نظام سرمایه داری** در قرن ۲۰ **دو بلوک شرق و غرب** را به وجود آوردند که بلوک شرق شامل کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق بود که در راس آن **شوروی** سابق قرار داشت و کشورهای بلوک غرب شامل اروپای غربی و آمریکا بود که در راس آن **آمریکا** قرار داشت.

● **شعار جوامع سوسیالیستی:** به انتقاد از نظام لیبرالیستی پرداختند و شعار آنها **عدالت اجتماعی و توزیع مناسب و عادلانه ثروت** بود. اما آنها هم با مشکلاتی مواجه شدند (مشکل این بود نه تنها آزادی اقتصادی بلکه همه آزادی ها محدود شد و دیگر این که باعث حاکمیت یافتن طبقه جدیدی شد نه بر اساس ثروت بلکه بر اساس قدرت حاکمیت یافت).

● چالش بلوک شرق و غرب در طی قرن ۲۰ بود اما با فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ به اتمام رسید.

● چالش بلوک شرق و غرب منطقه ای نبود بلکه **جهانی** بود. که در مرکز بلوک غرب **آمریکا** و در مرکز بلوک شرق **شوروی سابق** با اقتصاد و سیاست های متفاوت.

● **مقایسه چالش بلوک شرق و غرب:** **شباخت:** هر دو متعلق به فرهنگ غرب بود و از فرهنگ سکولار غرب برخاست. **تفاوت:** از نظر سیاسی و اقتصادی و جغرافیایی متفاوت بودند.

● **رویکرد مارکس نسبت به جهان و عالم:** رویکرد سکولار و در چارچوب لایه های عمیق فرهنگ غرب (سکولاریسم) که با این عقیده سعی دارد چالش های جامعه غرب را حل کند.

● چالش بلوک شرق و غرب از **درون یک فرهنگ و تمدن** برخاست و از نوع چالش های بین فرهنگ و تمدن نیست.

گفتگو کنید

در دوران تقسیم جهان به دو قطب بلوک شرق و غرب ، هریک از کشورهای منطقه خاورمیانه به کدام یک از دو قطب تعلق داشت ؟

جواب : طرفداران بلوک شرق : افغانستان - عراق - سوریه - لیبی - مصر - فلسطین طرفداران بلوک غرب : عربستان و ترکیه

باهم تکمیل کنید

صفحه ۸۱

چالش جهان دو قطبی (بلوک شرق و غرب)

نوع چالش	توضیحات
منطقه ای یا فرامنطقه ای	جهانی یا فرامنطقه ای است . بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند و آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت در مرکز این دو قطب قرار داشتند .
درون فرهنگی یا بین فرهنگی	درون فرهنگی است . این دو قطب با اینکه از نظر سیاسی ، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز قرار می گرفتند . متعلق به فرهنگ واحدی اند به ایم منعی که هر دو بلوک درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند
خرد یا کلان	کلان است . پس از جنگ جهانی دوم بلوک شرق و غرب هریک بخشی از جهان را تحت نفوذ خود قرار دادند .
مقطعی یا مستمر	مقطعی است چون با فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ پایان یافت